

## ■ چکیده

استفاده از زندان، به عنوان محل نگهداری مجرمان و محکومان، همواره با دیدگاه‌های موافق و مخالفی روبه‌رو بوده است و هر گروه، با دلایل متعدد، در صدد دفاع از عقاید خود برآمده‌اند. از جمله موارد اختلاف نظر، می‌توان اشتغال به کار زندانیان و جایگزین‌های مناسب به جای محکومیت زندانیان را نام برد که پژوهش حاضر بدان می‌پردازد. از این رو، هدف اصلی مقاله، بررسی و تبیین راهکارهای مختلف پیامدهای اشتغال زندانیان در ایران پس از شهریور ۱۳۳۰ است.

دلیل انتخاب دوره زمانی مذکور، تحولات جدید حقوقی و قانونی و تصویب قوانین مربوط به زندانیان در ایران است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که از منظر تاریخی، و به ویژه با استناد به منابع و مدارک منتشر نشده، پژوهشی مستند در این باره تهیه و ارائه نشده است. مقاله پیش‌رو بر آن است تا با تکیه بر اسناد تاریخی، روند انجام این قوانین و چگونگی اشتغال زندانیان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. زندان قزل حصار، به عنوان مطالعه موردی، نمونه تغییر و تحول امور زندان‌ها و زندانیان ایران و توجه به امر اشتغال آنان در چند دهه اخیر - انتخاب گردیده است. این پژوهش تغییر نگرش مسئولان وقت را نسبت به حقوق زندانیان مورد توجه و مذاقه قرار خواهد داد.

روش پژوهش: مقاله با تکیه بر اسناد تاریخی و شیوه کتابخانه‌ای روند انجام اشتغال زندانیان را مورد بررسی قرار می‌دهد. زندان قزل حصار به عنوان مطالعه موردی نمونه‌ای از دگرگونی امور زندان‌ها و زندانیان در ایران است که از ابتدا به منظور اشتغال به کار زندانیان تأسیس و راه‌اندازی شد.

فرضیه پژوهش: فرض این پژوهش این است که بر اثر تحولات جدید حقوقی و قانونی مربوط به زندان و چگونگی رفتار با زندانیان، در ایران نیز از دوران حکومت رضاشاه و به ویژه پس از شهریور ۱۳۳۰، نگاه به زندان و زندانی تغییر کرد و به گونه‌ای دیگر درآمد که نمونه بارز آن به کارگماردن زندانیان عادی در قبال دستمزد بود.

### کلیدواژه‌ها

زندان/ شهریور ۱۳۳۰ / زندان / زندان قزل حصار

## تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۹۰)، ۸۵-۶۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۱۵

# پژوهشی در آثار و نتایج اشتغال زندانیان پس از شهریور ۱۳۲۰

علیرضالطفی<sup>۱</sup>

## مقدمه

واژه زندان، که در زبان پهلوی به صورت Zindan تلفظ می‌شد، از کلمه زند گرفته شده و در فرهنگستان ادب فارسی به جای محبس برگزیده شده است. به این ترتیب، کلمه زندانی نیز به جای محبوس پذیرفته شد و نباید به جای اسیر به کار رود.

اما در اصطلاح، زندان به جایی گفته می‌شود که متهمان و محکومان را در آن نگاه می‌دارند. از نظر حقوقی نیز زندان، محلی است که محکومان را به منظور حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی و نیز با هدف اصلاح و تربیت زندانیان و جلوگیری از تکرار جرم با مجوز مرجع قضایی در آن جا نگهداری می‌کنند (شمس، ۱۳۷۵، ص ۱۷).

امروزه، حتی با شروع هزاره سوم میلادی، در بسیاری از کشورها و از دیدگاه مردم عادی، عدالت کیفری برابر با زندان است و اغلب از دادرسان توقع دارند نه تنها در جرم‌های مهم که در جرم‌های متوسط و کوچک نیز به زندان متوسل شوند، البته مجازات‌سالب آزادی را تنها شهروندان عادی پشتیبانی نمی‌کنند، بلکه برخی صاحب‌نظران نیز بر ضرورت استفاده از آن تأکید می‌کنند. در میان دلیل‌هایی که این گروه ارائه کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حذف مجازات زندان ممکن است دادرسان را در کشورهایی که هنوز هم مجازات

اعدام در آنجا وجود دارد، به توسل هرچه بیشتر به صدور حکم اعدام سوق دهد.

۲. هنگامی که از ارعاب و بازدارندگی زندان سخن به میان می‌آید، در واقع ناتوان‌سازی

۱. مربی حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی،  
واحدخوی، وکیل پایه یک دادگستری  
Alireza\_lotfi2010@yahoo.com

مجرم در طول تحمل کیفر زندان مدّ نظر است که با روش‌های جایگزین زندان نمی‌توان بدن دست یافت.

۳. در صورت حذف مجازات زندان معلوم نیست که با مجرمان خطرناک و تکرارکنندگان جرم چگونه باید رفتار کرد و با چه وسیله‌ای جامعه را از خطر اینگونه افراد حفظ نمود (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

در مقابل این گروه، تعداد دیگری از حقوق دانان و جرم‌شناسان، مخالف استفاده از زندان هستند و دلایل خود را به این شرح بیان کرده‌اند:

۱. زندان، افزون بر اینکه افراد زندانی را از کار و فعالیت باز می‌دارد، موجب می‌شود جامعه نیز از بازده فعالیت آنها بهره‌مند نگردد. خزانه دولت به جهت زندانی کردن افراد خلافکار، به‌طور کنترل نشده، هزینه سنگینی را متحمل می‌شود. می‌توان از رهگذر مجازات‌های دیگر وظیفه پیشگیری از بزه را انجام داد، و با تخلفات مبارزه کرد، بدون اینکه نیروی انسانی از این راه به تعطیلی کشانده شود، البته اداره‌کنندگان زندان‌ها برای بهره‌کشی از نیروی انسانی تلاش‌هایی نموده‌اند ولی تنها برای تعداد کمی از آنها توانستند تأمین کار نمایند (وائلی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۲).

۲. محافظت از زندانیان، به‌ویژه محکومان زندان‌های بلند مدت، مشکلاتی به وجود می‌آورد که یکی از مهم‌ترین آنها جلوگیری از فرار زندانیان یا مبارزه با شورش و اغتشاش است که غالباً در زندان‌های عمومی رخ می‌دهد (صلاحی، ۱۳۵۴، ص ۴).

۳. مشکل مهم دیگر مسئله ازدیاد جرایم به‌ویژه تکرار جرم است، که علمای حقوق جزا، روان‌شناسان، و جامعه‌شناسان نوگرا اغلب آن را زائیده رژیم غلط کیفری و عدم پیروی از اصول نوین علمی جهت اداره زندان‌ها دانسته‌اند، و عقیده دارند رژیم کیفری قدیم که مبتنی بر زندانی کردن مطلق مجرمان است سبب ازدیاد جرایم شده است. اصولاً مجازات زندان برپایه پیشگیری از گناه تشریح و تبیین شده، ولی در عمل ثابت شده است که مجازات زندان این هدف را تأمین نمی‌کند، زیرا تجربه نشان داده است افرادی که به زندان با اعمال شاقه، که شدیدترین انواع زندان است، محکوم می‌شوند پس از پایان مدت محکومیت از زندان بیرون نمی‌روند، مگر اینکه با ارتکاب به کارهای خلاف، دوباره به زندان بازگردند (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

۴. فاسد شدن افراد زندانی: با توجه به اینکه در زندان افرادی که سالیان دراز با تخلف‌ها ممارست داشته و در این باره مهارتی پیدا کرده‌اند، با افراد عادی و احیاناً با کسانی که در واقع خلافکار نیستند بلکه قانون‌انهارا خلافکار شناخته است - مانند کسانی که چک‌بی‌محل صادر می‌کنند و یا به خاطر ناتوانی در پرداخت دیون خود زندانی هستند و یا از راه خطا مرتکب

جرمی شده‌اند- در یکجا نگهداری می‌شوند؛ چه بسا مجرمانی که به علت ارتکاب جرایم ساده و سبکی از قبیل اعتیاد یا قاچاق چند گرم مواد مخدر، به زندان محکوم شده‌اند و در زندان بر اثر معاشرت با بزه‌کاران حرفه‌ای، پس از آزادی به مجرمی حرفه‌ای و خطرناک تبدیل شده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۳۲). جمع شدن زندانیان در زیر یک سقف باعث می‌شود که قدرت سرایت تخلفات در میان آنها بیشتر شود و حالت همگانی پیدا کند، زیرا افراد گناهکار که بر کار خودشان مهارت و آگاهی دارند، آنچه را می‌دانند، به افراد تازه‌کار تلقین می‌کنند و از یاد دادن انواع تبهکاری‌ها به آنان فروگذاری نمی‌کنند. در نتیجه، موقعی که محکومان از زندان بیرون می‌آیند با انواع جرم‌ها آشنایی کامل پیدا کرده‌اند (وائلی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۳). بنابراین، زندان در عمل، آنچه را مدعی آن است- و برای آن ایجاد شده- ارائه نمی‌کند. به گفته مارک آنسل «...[انگیزه] مردمان سده هجدهم که برای زندان، اقسام و درجه‌هایی را منظور کرده بودند، آن بود که مجازات یادشده، جنبه عبرت‌انگیز به خود بگیرد. در سده نوزدهم نظر مردم بر آن بود که زندان انفرادی، اسباب ندامت محکوم را فراهم می‌سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبتنی بر ادامه زندگی شرافتمندانه یاری می‌دهد. در سده بیستم نیز زندان را اغلب وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانستند، ولی حقیقت این است که همه این امیدها بر باد رفته است، زندان ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد، از همان آغاز به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است» (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۸۷). زندان با ایجاد فرهنگ بزهکاری مشترک، می‌تواند زیربنای تشکیل باندهای مجرمانه را پس از زندان پایه‌ریزی کند (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

۵. نابودی حس مسئولیت: مجازات زندان افزون بر اینکه نیروی بازدارنده ندارد، حس مسئولیت را نیز در مجرمان از بین می‌برد و آنان را به بیکاری و تن‌پروری سوق می‌دهد، زیرا بسیاری از زندانیان که مدت درازی را در زندان سپری می‌کنند، در آنجا با بیکاری و تن‌پروری روزگار می‌گذرانند و تمامی نیازهای خود را از خوراک و پوشاک و مسکن بدون تحمل زحمت به‌دست می‌آورند (وائلی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۵).

۶. پایین آمدن سطح بهداشت و اخلاق: اجرای مجازات زندان غالباً تقاضا می‌کند که تعداد کثیری از افراد تندرست و نیرومند برای مدت‌های مختلف در یک مکان محبوس شوند که در این مدت از آزادی بی‌نصیب و از تماس با همسرانشان محروم می‌شوند. با توجه به اینکه تعداد افراد زندانی سال به سال رو به افزایش است و به موازات آن بر تعداد زندان‌ها افزوده نمی‌شود، تراکم افراد زندانی، فقدان وسایل بهداشتی، و محرومیت آنان از تماس با همسرانشان باعث می‌شود که بیماری‌های واگیردار پوستی، ریوی، و سایر امراض خطرناک در میان آنها شایع گردد (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

۷. چنانچه با مجرمی که به زندان افتاده است با قساوت و خشونت رفتار کنند و او را از جامعه کنار بگذارند و به عنوان خلافکار معرفی کنند، او نیز خود را از دیگران پایین تر می‌داند و نوعی حقارت در خود احساس می‌کند و در نتیجه، با جامعه دشمنی کرده و برای انجام رفتارهای ناپسند آماده می‌شود (وائلی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹).

۸. اگر اشتباهی در صدور حکم رخ داده باشد، دیگر نمی‌توان عمر از دست‌رفته محکوم را به او بازگرداند.

۹. زندان، هویت محکوم را از میان می‌برد و به‌ویژه، در زندان‌های بلندمدت، آن چنان اختلالی در شخصیت او به‌وجود می‌آورد که نتیجه آن پیروی کورکورانه و محض یا حالت تهاجمی است که به شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان، و همانند آن آشکار می‌شود (اسدی، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

۱۰. زندان، افزون بر محکوم، بر خانواده و نزدیکان او نیز تأثیرهای نامطلوبی می‌گذارد و نه تنها آنان را از سرپرست خانواده و پشتیبانی مالی او محروم می‌کند، که در بسیاری از موارد زن و فرزند محکوم، به‌ناچار بدهی و هزینه‌های جانبی اقامت شوهر یا پدر خود را در زندان پرداخت می‌کنند (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۴۰).

۱۱. تراکم جمعیت کیفری، مانع از آن است که بتوان مقدمات آزادسازی مجرمان و بازسازی آنان را فراهم کرد. به دیگر سخن، کسانی که باید از درمان و برنامه‌های اصلاحی استفاده کنند، از آن محروم می‌شوند (محدث، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

۱۲. همواره تعداد روزافزونی از مجرمان که در وضعیت جرم‌زای زندان به‌سر می‌برند و بر خطرناکی آنان افزوده می‌شود آزاد شده و وارد جامعه می‌شوند در این صورت آیا می‌توان گفت که زندان بهترین شیوه پشتیبانی از جامعه محسوب می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

۱۳. در اغلب کشورها، برای بیشتر جرم‌ها در قانون، مجازات زندان منظور شده و دادرسان حتی در جرم‌های کم اهمیت نیز آن را به‌کار می‌برند. به‌دیگر سخن، زندان مرکز ثقل فرآیند کیفری است. در بسیاری از موارد که جزای نقدی اعمال می‌شود نیز محکوم‌علیه، به‌علت عجز از پرداخت آن بازداشت می‌شود.

۱۴. در بسیاری از کشورها، کودکان به زندان‌هایی گسیل می‌شوند که شرایط بزرگسالان بر آنان تحمیل می‌شود. (آشوری، ۱۳۸۵، ص ۴۴).

۱۵. اغلب برای معتادان امکان و فرصت مداوا در زندان وجود ندارد و حتی زندان مرکز امنی برای داد و ستد مواد مخدر است.

۱۶. یکی دیگر از پیامدهای منفی زندان، طرد اجتماعی و از دست دادن شغل است.

بزهکاری که پس از تحمل کیفر حبس، از زندان آزاد شده و وارد اجتماع می‌شود، در سرراه اشتغال خویش، با موانع بی‌شماری برخورد می‌کند و حتی در بسیاری از موارد، به دلایلی از قبیل بی‌اعتمادی کارکنان دولت به وی، غیبت طولانی از محیط کار و از دست دادن سرمایه، شغل سابق خود را از دست می‌دهد.

۱۷. انتقال فرهنگ زندان به جامعه: سالانه در ایران رقمی حدود ۶۰۰ هزار نفر به اسم و عنوان بازداشت موقت، داخل زندان‌ها می‌شوند و از این تعداد ۴۷ درصدشان کمتر از ده روز و ۶۶ درصد هم کمتر از یک ماه در زندان به‌سر می‌برند (آمار یادشده مربوط به سال ۱۳۸۰ است و در حال حاضر آمار، رو به افزایش است). تعداد کسانی که طی یکسال وارد زندان‌های ایران می‌شوند ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر است، پرواضح است با چنین تعداد عظیمی از ورودی‌ها و خروجی‌های زندان در طول سال، خرده فرهنگ‌های مخرب مجرمانه زندان به‌وسیله زندانیان و یا محکومان آزاد شده، به جامعه منتقل می‌شود و موجبات بزهکاری بیشتر افراد جامعه را، اعم از بزهکاران بالقوه و بالفعل، فراهم می‌آورد. امروزه، یکی از مهم‌ترین مصادیق جرم‌زایی زندان، همین چرخه‌ای است که به‌وجود آمده: همواره عده‌ای در حال شدن و عده‌ای در حال خارج شدن از زندان هستند و به‌همراه خود، فرهنگ زندان را به جامعه منتقل می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

### جایگزین‌ها و حقوق زندانیان

با توجه به معایب و زیان‌های زندان، از دیرباز، شماری از مصلحان و حقوق‌دانان بر آن بودند تا با یافتن راه‌هایی تا حدودی از آسیب‌های فردی و اجتماعی زندان بکاهند و یا با قراردادن گزینه‌های دیگری به‌جای زندان، این مجازات را برای بسیاری از محکومیت‌ها کنار نهند. مجازات‌های جایگزین زندان می‌تواند جمعیت کیفری زندان‌ها را به‌شدت کاسته و هزینه‌های مادی را نیز کاهش دهد (میرشمس شهشهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰).

در برخی کشورها تعدادی از روش‌های جایگزین مجازات زندان به‌کار گرفته شده که عبارت‌اند از: آزادی مشروط (آخوندی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۰؛ محمدی، ۱۳۸۴، صص ۱۷۵-۱۷۷)، تعلیق اجرای مجازات (گودرزی، مقدادی، ۱۳۸۴، صص ۷۷-۷۹)، مجازات‌های شفاهی (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶، ص ۹۸)، زندان پایان هفته‌ای (فیروزی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۶-۱۶۷)، بازداشت خانگی، جزای نقدی (حاجی تبار، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰)، نظارت الکترونیکی، و پادگان‌های آموزشی - اصلاحی. با این همه آنچه بیش از اجرای روش‌های جایگزین زندان اهمیت دارد، حقوق زندانیان و رعایت آنهاست (تاریخچه زندان، ۱۳۸۴، صص ۳۳۶-۳۳۹).

اما مهم ترین این حقوق عبارت اند از:

## ۱. فراهم کردن تسهیلات ضروری و رفاه زندانیان

برقراری وضعی مناسب و مطلوب برای زندانی سبب می شود، زندانی بتواند با آرامش به تهذیب نفس پرداخته و تغییر رفتار دهد و راه های بازگشت به جامعه را بیابد و در آن گام زند. برای دستیابی به این هدف البته لازم است حقوق زندانی به طور دقیق مشخص شود و به اجرا درآید (شمس، ۱۳۷۵، ص ۶۲).

ایجاد محیطی بهداشتی و پاکیزه و دارای نظم و انضباط برای زندانیان و تشویق و ترغیب آنها به داشتن نظافت و انضباط، منجر به پاکیزه سازی اخلاق زندانی شده و زمینه ساز رشد صفات نیکو و دوری وی از مفاسد و آلودگی ها می گردد. محیط زندان از لحاظ بهداشتی در حفظ نظم، آسایش و آرامش و نیز در اصلاح و تربیت زندانیان تأثیر دارد. زندانی باید از نوعی آسایش نسبی جسمی و روحی برخوردار باشد تا فرصتی برای تفکر و ندامت داشته باشد. علاوه بر این، تهیه و تنظیم برنامه غذایی زندانیان، به خصوص در زندان های پرجمعیت یکی از مسائل مهم زندان هاست که باید به تناسب فصول سال و احتیاجات منطقه ای تنظیم گردد (گودرزی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶).

درمان زندانیان یکی دیگر از مواردی است که باید در جهت رعایت بهداشت مورد توجه مسئولان زندان ها قرار گیرد و پزشک زندان باید زندانیان بیمار را معاینه و تحت درمان قرار دهد و زندانی به محض احساس کسالت، باید جریان را به مسئولان زندان اطلاع دهد و با اخذ معرفی نامه به بیمارستان و درمانگاه مراجعه و دارو و دستورات لازم را دریافت دارد. تأمین نیازهای ضروری زندانیان از قبیل غذا و دارو و هوای پاک و فراهم کردن لباس های تابستانی و زمستانی و دیگر امکانات از تکالیف حکومت ها می باشد (منتظری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۶۹).

## ۲. تأمین روابط ضروری زندانیان

پس از ورود محکوم به زندان، رابطه او با محیط بیرون قطع می شود. دوری از خانواده و زن و فرزند سبب تأثر و تألم روحی زندانی شده و او را پریشان خاطر و غمگین و مضطرب می سازد. این محرومیت، نباید به مرحله ای برسد که زندانی خود را فردی بی کس و بی پناه و مطرود از اجتماع تصور کرده و امیدی به آینده و بازگشت به کانون خانواده نداشته باشد. برای تقویت روانی زندانیان و تسکین آلام درونی آنها باید در حفظ روابط خانوادگی آنها اهتمام لازم به عمل آید و با فراهم نمودن وسایل ملاقات و مکاتبه و بازدید از زندان، امید پیوند زندانی با اجتماع عادی تقویت شود. ملاقات زندانی با افراد خانواده و دوستانش سبب آرامش

روانی و رفع اضطراب درونی شده و در تسکین آلام و تقویت روحیه او بسیار موثر است.

### ۳. منع آزار و شکنجه زندانیان

قاعده ممنوعیت شکنجه در نظام حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته و در مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی منعکس شده است. چنانکه در ماه ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، که در سال ۱۹۶۶ تصویب شده، آمده است: «هیچ کس را نباید مورد شکنجه و آزار یا رفتارهای خشن و غیر انسانی قرار داد» (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹).

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخصی به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود» (قربانی، ۱۳۷۵، ص ۴۳). همچنین، ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۵)، به عنوان ضمانت اصل ۳۸ قانون اساسی، پیش بینی کرده است: «هریک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را آزار و اذیت بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این مورد دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت» (حجتی اشرفی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱).

### اشتغال به کار زندانیان

به کار گماردن زندانیان، از روزگار گذشته، به منظور تأدیب بزهکاران معمول و به انواع مختلف از جمله اعمال شاقه اجرا می‌شد و قساوت و شکنجه در حین کار نسبت به زندانیان اعمال می‌گردید. بناهای عظیم تاریخی اکثراً یادبود و حاصل دسترنج اسرا و محکومان است. اما، زجر و شکنجه و کار با اعمال شاقه، همواره مورد انتقاد عالمان و فیلسوفان قرار می‌گرفت (آقابابایی بنی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰). با ظهور مسیح، عقاید فلاسفه، با افکار و ادراکات مذهبی درهم آمیخت و ترحم و عفو و نیکوکاری، که یکی از اصول مسیحیت است، سبب گردید که روحانیون مسیحی از زندان‌ها بازدید کنند و به زندانیان کارهای دستی بیاموزند (دانش، ۱۳۳۸، ص ۱۸۸). از این رو، از اوایل قرن شانزدهم، در بیشتر زندان‌های اروپا محکومان، به کار اشتغال داشتند (علی‌آبادی، بی‌تا، ص ۲۸). کار باید یکی از عنصرهای اصلی تغییر و اجتماعی کردن



گام به گام زندانیان باشد، کار کیفری نباید به منزله مکمل یا به عبارتی تشدید کیفر در نظر گرفته شود، بلکه باید به منزله تخفیفی در نظر گرفته شود که محروم کردن زندانی از آن امکان پذیر نباشد. کار باید به زندانی امکان دهد که حرفه‌ای را فرا بگیرد و مشغول شود و درآمدی را برای خانواده خود تأمین کند (سپهری، ۱۳۷۳، صص ۱۷۳-۱۷۴).

بی‌حرکی و بی‌کاری، یکی از پیامدهای بد زندان است. بیکاری از دیدگاه اسلام امری ناپسند می‌باشد و در قواعد بین‌المللی نیز اشتغال زندانیان پذیرفته شده است (فوکو، ۱۳۷۸، صص ۳۳۷).

در ماده پنزدهم قطعنامه همایشی که در ۱۹-۲۷ بهمن ۱۳۴۷ تشکیل شد، اشاره شده است: «سمینار با اعتقاد به اینکه کار عامل تهذیب اخلاق زندانی و اعاده او به زندگی شرافتمندانه است امیدوار است موجباتی فراهم آید که زندانیان به کار مؤلّد و مفید در زندان راهنمایی و تشویق شوند» (صدری، ۱۳۳۹، صص ۱۷۰).

اما، در ایران، با ورود نیروهای نظامی متفقین به خاک کشور و استعفای رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، و برقراری آزادی‌های نسبی، دگرگونی‌های عمده‌ای در اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد شد و شیوه‌های دیگری برای اداره امور اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. از جمله با آزاد شدن زندانیان سیاسی و آشکار شدن رفتار خشن مسئولان زندان‌های کشور با زندانیان، به‌خصوص جنایاتی که شهربانی رضاشاه در زندان قصر تهران انجام داده بود، توجه عموم مردم به زندان‌ها و چگونگی اداره آنها جلب شد و به تدریج تغییراتی در اداره زندان‌ها به وقوع پیوست و حتی انجمن حمایت از زندانیان در سال ۱۳۲۱ تأسیس شد (هومن، ۱۳۳۹، صص ۲۶۲).

در اردیبهشت ۱۳۲۱، بنابر گزارش دادسرای تهران «زندانان زندان قصر از خوردن غذا خودداری و شورش» کردند که با «مداخله قوای قهریه» درهم شکسته شد. علت اصلی این ماجرا «نبودن وسایل کار برای آنها و عملی نشدن قانون و ادار نمودن زندانیان غیر سیاسی به کار، مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۱۴ بود...» و به این جهت زندانی‌ها از طول اقامت در زندان طبعاً خسته شده و برای رهایی خود به هر وسیله... «متوسل می‌شدند. به نظر دادسرای تهران «برای جلوگیری از نظایر این اقدام» لازم بود که قانون مصوب ۱۴ اسفند در زندان اجرا می‌شد «و وسیله عملی شدن کار در زندان فراهم» می‌گشت (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰).

مشکل دیگر، کمبود جا و تراکم زندانیان بود. چنانکه ۳۱۷ نفر در ۱۸ اتاق زندان موقت دادگستری در بازداشت به سر می‌بردند (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰). در چهارم دی ۱۳۲۳، نیز سرپاس سیف، رئیس شهربانی کل کشور در نامه‌ای به وزارت دادگستری سخن از تعداد «بیش از مأخذ معمول زندانی... در زندان مرکز و زندان موقت» به میان آورد و به نامناسب بودن وضعیت

بهداشتی زندانیان اشاره کرد و حتی اقدامات انجام شده برای بهبود این وضع را «...به واسطه کثرت جمعیت مؤثر» ندانسته و چاره کار را در این می‌داند که پیش از هر اقدامی «محل مناسبی با اصول صحیحی که گنجایش زندانیان را داشته باشد...» تهیه شود. افزون بر این، به طور متوالی «...گزارشاتی از اداره کل شهربانی در باب اوضاع داخلی زندان و جرح و ضرب‌ها و عملیات برخلاف انتظام زندانیان و عدم تکافوی عده پاسبان برای جلوگیری از شرارت آنها به وزارت کشور...» (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰) فرستاده می‌شد. برای رفع این مشکلات، علاوه بر تهیه «لباس و سایر احتیاجات» زندانیان و در اختیار گذاشتن سه میلیون ریال اعتبار به شهربانی کل کشور و ارائه لایحه‌هایی برای انتظامات داخلی زندان به مجلس شورای ملی برای «واداشتن محبوسین به کار و انتقال آنها به نقاطی که برای کار آماده و مستعد» بود، کمیسیون‌هایی با حضور ملک اسماعیلی، معاون اداره حقوقی وزارت دادگستری در وزارت کشور تشکیل شد و در پی آن اقداماتی به انجام رسید که از جمله آنها یکی بهره‌گیری از اموال بی‌صاحب بود و دیگری استفاده از جایگزین تعلیق به جای زندان (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰).

درباره استفاده از اموال بی‌صاحب، دادستان کل کشور در ۲۰ فروردین ۱۳۲۹، نامه‌ای به سرتیب دفتری، رئیس کل شهربانی کشور نوشت:

«ماده ۲۸ قانون مدنی مصرف اموال مجهول‌المالک را با اجازه حاکم شرع یا مأذون از طرف او (برای) فقرا مقرر داشته است» (منصور، ۱۳۸۳، ص ۲۴). «... چون زندان‌های مرکز و قم و قزوین را بازرسی شده کافی برای زندانیان نیست، چنانچه در نظر گرفته شده است و جوهری را که باید صرف فقرا شود و فعلاً مقداری از آن با سود کمی به بانک سپرده شده است از آن وجوه ساختمان‌هایی برای زندان‌های تأدیبی و توقیف‌گاه ساخته شود و بالتبیینه فعلاً به شهربانی اجاره داده شود و تا آن اندازه که ممکن است از فقرای زندانی، کارگر گرفته شود و دستمزد آنان در صورتی که عیالمند باشند به عائله آنها و چنانچه عائله نداشته باشند برای آنان پس‌انداز گردد و در عین حال منظور آن است که بعداً آنچه ساخته شود به شهربانی کل اجاره داده شود و مال‌الاجاره آنها صرف دارالایتام و بیمارستان عمومی گردد و سه محل برای این ساختمان در نظر گرفته شده، ۱. تهران ۲. قم ۳. قزوین... چنانچه شهربانی تعهد نماید هر نقطه که ساختمان شد به نسبت مخارجی که شده است از قرار ۱۳ درصد در سال مال‌الاجاره بپردازد اقدام به آن خواهد شد و الا از وجوه موجوده مستغلاتی خریداری و عواید آن به مصرف فقرا می‌رسد. خلاصه اقدام به ساختمان زندان از جمله برای قزوین متفرع بر آن است که اولاً نقشه از طرف آن اداره برای آن جا تهیه شود که هم به درد زندان‌های تأدیبی می‌خورد و در صورت بی‌نیازی شهربانی مورد استفاده‌های دیگری واقع گردد. و به علاوه تقبل مال‌الاجاره از تاریخ شروع به ساختمان از طرف شهربانی به میزان فوق‌الذکر به عمل آید

و چون در مذاکرات حضوری نسبت به هر دو قسمت از طرف حضرت عالی موافقت شده بود در سرکشی به زندان قزوین به رییس شهربانی ... وعده این کار داده شده و با آن که وسایل کافی نبود آنجا، در حدود امکان سر و صورتی به وضعیت آنجا داده اند .... در خاتمه چنان که نسبت به مراتب فوق الذکر موافقت می فرمایند، مقرر دارند زودتر نقشه‌ای برای زندان اینجا و قم و قزوین تهیه شود تا به مناقصه بگذاریم و شروع به کار نماییم» (ساکما: ۲۹۳/۵۱۹).

درباره اجرای مجازات تعلیق، لازم به یادآوری است که این شیوه، متوقف کردن مجازات کسی است که به کیفرهای تعزیری و بازدارنده محکوم شده، اما اگر در مدتی معین مرتکب جرم دیگری نشود و فرمان‌های دادگاه را به کار بندد، محکومیت او بی اثر تلقی می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴).

در این باره، وزارت دادگستری در نامه‌ای به وزارت کشور، در اردیبهشت ۱۳۳۲، ده مورد را برای تأیید و تصویب مطرح کرد که اصل آن بدین شرح است:

«نظر به تراکم زندانیان و عدم تفکیک انواع مجرمین از یک دیگر و بالتیجه خلط و آمیزش آنان با یکدیگر که خود موجب فساد اخلاق خواهد بود و عدم امکان رعایت اصول بهداشت با کمی جا موارد زیر پیشنهاد و تقاضای تصویب آن به قید سه فوریت می‌شود:

۱. کلیه محکومین به جنحه اعم از اینکه حکم اجرا نشده یا قسمتی از آن اجرا شده است به شرط آن که سابقه محکومیت نظیر آن جرم نداشته باشد در صورت اولی تمام و در صورت ثانی باقی مانده از مجازات در مدت پنج سال تعلیق می‌گردد که با عدم ارتکاب مجدد به جنایت یا جنحه مدت آن مجازات ملغی شده و الاً ابتدا مجازات تعلیق شده اجرا گردد.
۲. کلیه محکومین به جنایت به جز قتل عمد در صورتی که دو ثلث مدت محکومیت در این تاریخ اجرا شده و یا شش ماه باقی باشد نسبت به باقی مانده تعلیق می‌گردد که در صورت عدم ارتکاب مجدد به جنحه یا جنایت آن مجازات مرتفع و الاً ابتدا مجازات تعلیق اجرا شده اجرا گردد.

تبصره- این حکم شامل اشخاصی که سن آنها هجده سال نرسیده نمی‌باشد.

۳. محکومین به جرم ارتکاب و ارتشاء و اختلاس چنانچه اصل مال را به دولت دفعتاً و یا در سه قسط منتها در یک سال بپردازند از مقررات ماده ۱ استفاده خواهند کرد.

تبصره- کلاهبرداری و خیانت در امانت مأمورین دولت و کارمندان مؤسسات انتفاعی دولت و شهرداری‌ها مشمول این ماده خواهند شد.

۴. ماده ۴۷ قانون مجازات عمومی به قوت خود باقی است و ماده ۴۷ اصلاحی مصوب

۱۶ بهمن ۳۰۷ [۱] ملغی است.

۵. ماده واحده مصوبه سیزدهم مرداد ۱۳۲۲ راجع به تشدید مجازات اشخاص شرور

و بد سابقه از این تاریخ ملغی و احکامی که در نتیجه تشدید از کمیسیون مربوط صادر شده است مشمول مقررات ماده یک خواهد بود.

۶. غرامات مندرجه در ماده ۱ و ۲ از قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب چهاردهم تیر ماه ۱۳۲۸ از این تاریخ ملغی است.

۷. مجرمین سیاسی به جز کسانی که مرتکب سوء قصد نسبت به حیات رییس مملکت شده‌اند اعم از این که حکم مجازات درباره آنان صادر شده یا نشده باشد از مقررات ماده ۱ استفاده خواهند کرد.

۸. دولت مکلف است با نظارت دادستان کل، منتها تا یک سال در مرکز شهرستان‌ها زندان‌های قانونی منظم از یک دیگر از محل اموال مجهول‌المالک و متوفی بلاوارث و غایب مفقودالاثراً که باید عائد خزانه دولت گردد و همچنین از وجوه حاصل از جرائم زندان‌های مزبوره را مطابق نقشه‌های ساده و اصول بهداشت با داشتن کارخانه‌ها تأسیس نماید.

۹. تمام اصناف محکومین عمومی باید در مدت محکومیت مشغول کار باشند و دسترنج آنها به مصرف خود و عائله آنها خواهد رسید.

۱۰. نظارت به وضعیت محبوسین به‌طور کلی به عهده دادستان کل خواهد بود و می‌تواند نمایندگان مخصوص برای بازرسی زندان‌ها تعیین و به تمام نقاط کشور اعزام دارد» (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰).

با این همه، مهم‌ترین اقدام برای بهبود کلی وضع زندان و اشتغال به کار زندانیان تأسیس کارگاه کشاورزی جهت زندانیان در قزل حصار در سال ۱۳۳۷ بود (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰). زمین‌های قزل حصار، خالصه دولت بود و در پی مذاکراتی میان وزارت کشاورزی و وزارت دادگستری، در مرداد ۱۳۳۷، وزارت کشاورزی «...موافقت خود را با واگذاری کلیه اراضی و ابنیه قزل حصار و قنات‌ها و حقاچه آن از رودخانه کرج برای ایجاد زندان کشاورزی...» اعلام کرد و پذیرفت «...جاده مخصوصی برای قزل حصار از اراضی کمال آباد که متعلق به آن وزارت خانه بود مستقیماً از جاده قزوین ایجاد...» شود (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰). پس از آن، در شهریور همان سال، اداره حقوقی وزارت دادگستری وارد عمل شد و با همکاری وزارت کشاورزی مشغول تهیه نقشه زمین‌ها و احداث جاده گردید تا بر اساس نقشه، زمین‌های موردنظر به شهربانی کل کشور تحویل داده شود (ساکما: ۲۹۳/۵۲۰).

از سوی دیگر، در ۲۷ شهریور، کمیسیونی در دفتر وزیر دادگستری تشکیل شد و در موضوعات زیر موافقت حاصل شد:

۱. وزارت دادگستری و وزارت کشور موافقت دارند که زندان و کارگاه کشاورزی زندانیان در اراضی قزل حصار خالصه واقع در نزدیکی کرج بر طبق نقشه‌ای که شهربانی کل

کشور تهیه نموده و به تصویب سازمان خواهد رسید ساخته شود.

۲. وزارت دادگستری و وزارت کشور و سازمان برنامه موافقت دارند که پس از تصویب نقشه زندان، اعتبار موضوع از طرف سازمان در اختیار شهربانی کل کشور گذاشته شود که هر چه زودتر شروع به ساختمان شود. احداث ساختمان، تحت نظارت سازمان برنامه صورت خواهد گرفت و هزینه‌های آن از اعتبار پیش‌بینی شده، برای ساختمان زندان پرداخت خواهد شد.

۳. چون هنوز تصویب‌نامه مربوط به واگذاری زمین‌ها و ساختمان قزل حصار و قنات‌ها و حقایق آن از رودخانه کرج و جاده مخصوص آن از اراضی کمال‌آباد خالصه صادر گردیده دو وزارتخانه کشور و دادگستری با موافقت وزارت کشاورزی، طرح تصویب‌نامه مزبور را تهیه خواهد نمود که در اولین جلسه هیئت دولت مطرح گردد.

۴. برای تهیه نقشه زمین‌ها اراضی و جاده مزبور از طرف وزارت کشور و دادگستری با وزارت کشاورزی مذاکره خواهد شد که هر چه زودتر نقشه مزبور تهیه و ترتیب تحویل زمین‌ها به شهربانی کل کشور داده شود.

۵. این صورت مجلس در پنج نسخه تهیه و امضا شد.

هیئت وزیران نیز در جلسه ۱۴ آبان ۱۳۳۷، «تصویب نمودند که قریه قزل حصار خالصه واقع در ساوجبلاغ جهت ساختمان زندان و کارگاه کشاورزی زندانیان طبق حدود مشخصه در سند مالکیت به اداره شهربانی کل کشور واگذار گردد» البته در این تصویب‌نامه قید شده بود که «هر موقع قریه قزل حصار برای منظور فوق مورد استفاده قرار نگیرد، باید به خالصجات مسترد گردد» (۲۹۳/۵۲۰).

به این ترتیب «تصویب‌نامه واگذاری قریه قزل حصار خالصه جهت ساختمان زندان و کارگاه کشاورزی زندانیان» به شماره ۱۷۱۲۸ در پانزدهم آبان صادر شد (۲۹۳/۵۲۰). پس از آن در پانزدهم دی ۱۳۳۷، مهندس نجم‌آبادی، سرپرست بنگاه خالصجات کرج از سوی وزارت کشاورزی مأمور شد، قریه خالصه قزل حصار را با توجه به سند مالکیت آن «در حضور نماینده دامپروری به نماینده اداره کل شهربانی ضمن صورت مجلس تحویل» نماید (۲۹۳/۵۲۰).

## نتیجه‌گیری

استفاده از زندان، در قالب محلی برای نگهداشتن مجرمان و محکومان، از دیرباز دارای موافقان و مخالفانی بوده است و هر یک از این دو گروه دلایل خود را عرضه کرده‌اند و هر دو گروه از دیرباز در پی این بودند تا آنجا که امکان دارد شیوه‌های دیگری را به جای زندان به کار گیرند و با اجرای برنامه‌هایی از جمله واداشتن زندانیان به کار، از فساد زندان بکاهند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد بر اثر تحولات سیاسی و اجتماعی در چند دهه اخیر نگرش مسئولان، اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تا اندازه‌ای نسبت به مفهوم زندان و زندانی و حقوق زندانیان دگرگون شده است؛ به طوری که باعث طرح حقوق ویژه زندانیان شده و در برخی موارد (البته به ندرت) حرکت‌های مثبتی در این زمینه صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به تأسیس و راه‌اندازی زندان قزل‌حصار در سال ۱۳۳۷ اشاره کرد که از آن می‌توان به عنوان مرکز خوداشتغالی برای زندانیان نام برد. البته زندان مذکور، خدماتی از جمله آموزش مهارت‌های تولید و فرآوری فرآورده‌های کشاورزی را به زندانیان در دستور کار خود قرار داده که این نقطه عطفی در احقاق حقوق زندانیان و هماهنگی و هم‌ترازی زندان‌های ایران با زندان‌های نوین دنیا تلقی می‌شود. بر اساس یافته‌ها و آمار حاصل، آموزش‌های این مرکز در کاهش میزان بیکاری و فساد هم در داخل زندان و هم بعد از آزادی از زندان زندانیان بسیار مؤثر بوده است.

### کتابنامه

- آشوری، محمد (۱۳۸۵). *جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین*. تهران: نشر گرایش.
- آخوندی، محمد (۱۳۶۹). *آیین دادرسی کیفری (ج ۳)*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقابابایی بنی‌اسماعیل (۱۳۸۳). *بازداشت موقت از نگاه فقه و حقوق*. قم: وثوق.
- آنسل، مارک (۱۳۷۵). *دفاع اجتماعی* (محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرنآبادی، مترجمان). تهران: دانشگاه تهران.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳). *حقوق جزای عمومی (ج ۲)*. تهران: نشر میزان.
- اسدی، احمد (۱۳۸۵). *پیش به سوی جایگزین‌های نوین، نقدی بر مجازات حبس*. تهران: انتشارات کوهسار.
- تاریخچه زندان*، جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۴). (نوروال موریس، داوید جی رومن، ویراستاران). (محمد رضا گذرزی بروجردی، مترجم). تهران: نشر میزان.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج‌دانش.
- حاجی تبار فیروز جایی، حسن (۱۳۸۶). *جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران*. تهران: فردوسی.
- حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۸۳). *قانون مجازات اسلامی با اصلاحات والحاقات*. تهران: گنج‌دانش.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۶۸). *حقوق زندانیان و علم زندانها*. تهران: دانشگاه تهران.
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). *کرامت انسانی در حقوق کیفری*. تهران: نشر میزان.
- سپهری، محمد (۱۳۷۳). *زندان از دیدگاه اسلام*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- شمس، علی (۱۳۷۵). *پژوهشی درباره زندانبانی اسلامی*. مشهد: نشر اداره کل زندانها.
- صدری، کیوان (۱۳۳۹). *سیاست کیفری ایران در دوران انقلاب شاه و ملت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صلاحی، جاوید (۱۳۵۴). *کیفرشناسی*. تهران: دانشگاه ملی (شهید بهشتی).

- عبدی، عباس (۱۳۷۷). *آسیب شناسی اجتماعی و تاثیر زندان بر زندانی*. تهران: نشر موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- علی آبادی عبدالحسین (بی تا). *حقوق جنایی* (ج ۲). تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه*. (تولد زندان). (نیکو سرخوش، افشین جهان دیده، مترجمان). تهران: نشر نی.
- قربانی، فرج الله (۱۳۷۵). *مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی با آخرین اصلاحات*. تهران: انتشارات دانشور.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸۵). *کرامت انسانی زندانیان*. تهران: انتشارات صفحه نگار.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۷). *آشنایی با تشکیلات قوه قضاییه و آیین نامه زندانها*. تهران: نشر خرسندی.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا (۱۳۸۶). *تاریخ تحولات زندان*. تهران: نشر میزان.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا (۱۳۸۴). *کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- محدث، محسن (۱۳۸۸). *مقایسه تطبیقی تاثیر مجازات زندان با مجازاتهای جایگزین*. تهران: موسسه فرهنگی نگاه بینه.
- محمدی، داود (۱۳۸۴). *مجازاتهای جایگزین*. تهران: انتشارات عود.
- میرشمس شهبهانی، مائده (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*. تهران: نشر میزان.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۶). *دراسات فی ولایت الفقیه*. قم: مرکز العالمی لدراسات الاسلامیه.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۳). *مجموعه قوانین، با آخرین اصلاحات قانون مدنی*. تهران: دیدار.
- وائلی، احمد (۱۳۷۵). *احکام زندان در اسلام* (محمدحسن بکایی، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هومن، احمد (۱۳۳۹). *زندان و زندانی ها یا رژیم پنی تانسیر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

## اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۳۴۸ محل در آرشیو ۵۱۹ ط ۲ ب آ ۱، نامه وزارت دادگستری به وزارت کشور، ش. ۱۱۹۸ / ح / ۵۰۶۴، ۱۳۲۱/۱۲/۳۱
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۳۴۹ محل در آرشیو ۵۲۰ ط ۲ ب آ ۱، وزارت دادگستری، برگه صورت مجلس، بدون شماره و تاریخ، نامه شهربانی کل کشور به وزارت دادگستری، شماره ۵۵۴۸۹، ۱۳۲۳/۱۱/۴، نامه وزارت دادگستری به وزارت کشور، شماره ۲۴۵۸، ۱۳۲۳/۵/۷
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۳۰۰۳۴۸ محل در آرشیو ۵۱۹ ط ۲ ب آ ۱، نامه دادستان کل کشور به سرتیب دفتری، شماره ۳۱۸۱۱، ۱۳۲۹/۱۱/۳۰، وزارت دادگستری، شماره ۶۷۸۷، ۱۳۳۰/۳/۲، نامه وزارت دادگستری به وزارت کشاورزی، ۲۰۷۷، ۱۳۳۷/۵/۱۸، نامه وزارت کشاورزی به وزارت دادگستری، شماره ۱۲۴۶۰، ۱۳۳۷/۵/۲۲، نامه اداره حقوقی وزارت دادگستری به وزارت کشاورزی، شماره ۴۳۳۴/ح/۲۸۱۸، ۱۳۳۷/۷/۱، گزارش بنگاه خالصجات وزارت کشاورزی، بدون شماره و تاریخ،

گزارش وزارت کشاورزی از جلسه هیات دولت، شماره ۱۳۳۷/۸/۱۷۱۲۸.۱۵، گزارش اداره کل دفتر  
وزارتی وزارت دارایی به اداره حسابداری بنگاه خالصجات، شماره ۱۳۳۷/۸/۲۶.۷۶۸۵، رونوشت نامه  
بنگاه خالصجات وزارت کشاورزی به مهندس نجم آبادی سرپرست خالصجات کرج، بدون شماره،  
۱۳۳۷/۱۰/۱۵

پژوهشی در آثار و نتایج اشتغال زندانیان پس از شهریور ۱۳۳۰











